

مُقَرَّرَاتِ عُبُورِ وَ مُرُورِ

(روز شنبه ساعت هشت صبح همه مشغول صرف صبحانه هستند)

آقای بشیر: طاهر جان! یک کمی عجله کنید، می خواهم شما را به بانک بفرستم.
ماشین هم از کار افتاده برای تعمیر به تعمیرگاه رفته است.

طاهر: پدر جان! نگران نباشید. من می توانم با اتوبوس بروم. فقط نیم ساعت راه است.

سعید: برادر جان من هم همراه شما می روم. به این بهانه گردشی در بعضی از خیابانهای لاهور می کنم.

(طاهر و سعید در ایستگاه اتوبوس پیاده می شوند و در پیاده رو خیابان به راه می افتند.)

سعید: برادر جان! بانک ملی کجاست؟

طاهر: به آن طرف خیابان.

سعید: پس بیایید برویم به آن طرف خیابان.

طاهر: صبر کن. ازین قسمت خیابان نمی توانیم رد بشویم.

سعید: چرا؟

طاهر: برای اینکه در خیابان رفت و آمد اتومبیل زیاد است و برای رفتن از یک طرف خیابان به طرف دیگر، فقط می شود از جاهای مُعَیَّن و خط کشی شده عبور کرد.

سعید: سر چهار راه هم می شود از خیابان گذشت؟

طاهر: بلی، از سر چهار راه هم می شود از خیابان گذشت بشرط اینکه چراغ راهنمایی قرمز نباشد.

سعید: برادر جان! این‌ها فقط حرف است. وقتی که ما می‌توانیم از راه میان‌برزود
تر به مقصد برسیم چرا بیخود راه مان را دور کنیم.

طاهر: مگر نشنیدید؟ "راه راست برو اگرچه دور است."

سعید: فکر می‌کنم راه راست همان است که من می‌گویم.

طاهر: نه جانم! راه راست آن نیست که تو می‌گویی بلکه راه راست آن است که
خلاف مقررات عبور و مرور نباشد. فرق اساسی میان انسان و حیوان همین است که
انسان از مقررات عبور و مرور پیروی می‌کند. در صورتیکه حیوان پای بند هیچ‌گونه
مقررات عبور و مرور نیست.

سعید: آخر این مقررات چه فایده دارد؟

طاهر: با پیروی از مقررات عبور و مرور اگرچه ممکن است راه طولانی‌تر شود و
بیشتر وقت بگیرد، در عوض انسان سالم و با خیال راحت به مقصد می‌رسد.

سعید: اگر خلاف این مقررات رفتار شود آن وقت چه می‌شود؟

طاهر: معلوم است که صدها تصادف روی خواهد داد و هزاران نفر کشته
خواهند شد.

سعید: حالا فهمیدم که رعایت مقررات عبور و مرور خیلی لازم است.
خیلی متشکرم که مرا از اهمیت این مقررات مطلع فرمودید. برادر جان! اگر کسی

از این مقررات سرپیچی کند چه می‌شود؟

طاهر: اگر کسی از این مقررات سرپیچی کند، مجازات می‌شود.

سعید: برادر جان! شما رانندگی بلد هستید؟ می‌توانید درین خیابان ماشین برانید؟

طاهر: بلی، من رانندگی بلد هستم ولی نمی‌توانم درین خیابان ماشین برانم.

سعید: اگر رانندگی بلد هستید چطور نمی‌توانید ماشین برانید؟

طاهر: برای این که من گواهی نامه رانندگی ندارم و رانندگی بدون داشتن گواهی نامه تخلف است و جریمه دارد.

سعید: چرا گواهی نامه نمی گیرید ؟

طاهر: طبق مقررات کسی می تواند گواهی نامه رانندگی داشته باشد که هیجده سال تمام داشته و در امتحان رانندگی نیز قبول شده باشد. چون من هنوز هیجده سال بیشتر ندارم و امتحان رانندگی را هم نگذرانده ام نمی توانم گواهی نامه بگیرم.

(طاهر و سعید در حال حرف زدن نزدیک چهار راه به محل خط کشی شده می رسد)

سعید: برادر جان! محفوظ ترین راه برای عبور از یک خیابان پُر شلوغ چیست ؟

طاهر: محفوظ ترین راه برای عبور از یک خیابان پُر شلوغ این است که اول به سمت راست نگاه کنیم، وقتی که مطمئن شویم اتومبیل نمی آید تا وسط خیابان پیش برویم، بعد به سمت چپ نگاه کنیم و نصف دوم خیابان را طی کنم.

(طاهر و سعید از محل خط کشی شده از خیابان عبور می کنند و آن طرف خیابان وارد ساختمان بانک ملی می شوند.)

(دکتر آفتاب اصغر)

فرهنگ

عبور و مرور: ترافیک، آمدورفت

مقررات: قواعد و ضوابط

بانک: بینک

صبحانه: ناشتا

ماشین: موترکار

یک کمی عجله کنید: ذرا جلدی کریں

تعمیرگاه: ورکشاپ

تعمیر: مرمت

ایستگاه اتوبوس : بس شاپ، بس سٹینڈ	نگران : پریشان
پیدہ رو : فٹ پاتھ	خیابان : سڑک
بانک ملی : نیشنل بینک	قسمت : حصہ
اتومبیل : موٹر گاڑی	جای خط کشی شدہ : زیر اکرانگ
چراغ راہنمائی : ٹریفک سگنل، ٹریفک لائٹ	چہار راہ : چوک، چوراہا
با خیال راحت : اطمینان کے ساتھ	میان بُر : مختصر راستہ، شارٹ کٹ
رفتار شود : چلا جائے، راستہ اپنایا جائے	تصادف : حادثہ
سرپیچی کند : سرتابی کرے، منہ موڑے	مجازات : سزا
رانندگی : ڈرائیونگ، گاڑی چلانا	گواہی نامہ : لائسنس
تخلف : خلاف ورزی	جریمہ : جرمانہ

می توانید ماشین برانید : آپ گاڑی چلا سکتے ہیں